

### بررسی زمینه های توسعه کار آفرینی از دیدگاه زنان کار آفرین استان گیلان

شهربانو رفیعی<sup>۱</sup>، سروش فتاحی<sup>۲</sup>، طهمورث شیری<sup>۳</sup>

#### چکیده

جامعه توسعه یافته نیازمند توجه به عاملان توسعه در بستر تاریخی مقتضیات فرهنگی \_ اجتماعی و... می باشد که در این میان یکی از عوامل توسعه پایدار پدیده کار آفرینی و شناخت عوامل موثر و همچنین بسترشناسی از بعد فرهنگی و اجتماعی و.. فضای جامعه است. علی الخصوص کار آفرینی زنان به عنوان منابع انسانی پویا و فعال در کنار سایر عوامل و زمینه که از شروع زندگی بشری قابل کتمان نیست که در تغییرات و تحولات اقتصادی و اجتماعی نقش موثر و فعالی دارند. توجه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی حال و گذشته زنان کارآفرین و بررسی موانع و محدودیت های موجود می تواند شایستگی ها و تواناییهای آنها را آشکار و موانعی که در شکل گیری فرایند این امر مهم (کارآفرینی و توسعه آن) زمینه را در جهت مشارکت هر چه بیشتر زنان در اقتصاد خانوار و کشور و همچنین در تحولات فرهنگی و اجتماعی مهیا نماید. هدف مقاله حاضر بررسی زمینه های توسعه کار آفرینی زنان در استان گیلان می باشد که با روش آمیخته اجرا شده است در مرحله نخست با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته از ۱۵ نفر از کار آفرینان استان گیلان مورد مصاحبه قرار گرفته اند. و داده های کیفی با استفاده از تکنیک تحلیل تم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس استخراج داده ها از مصاحبه و کد گذاری در ادامه این تم ها در قالب یک پرسشنامه از ۳۹۰ کارآفرین مورد سوال قرار گرفته اند یافته ها اثر زمینه های فرهنگی (سطح تحصیلات، شرکت در کارگاه ها، دریافت مشاوره از انجمنهای تخصصی، شرکت در دوره های کار آفرینی، مشاوره با سایر کار آفرینان) و اجتماعی (حمایت خانواده، حمایت سایر گروه ها، مسئولیت پذیری اجتماعی، نگرش خانواده، نگرش عمومی به کار آفرینی محیط زندگی، الگو پذیری گرایش عمومی به کار آفرینی، عضویت در انجمن های کار آفرینی، عضویت در گروه های کارآفرینی رسمی و غیر رسمی، اعتماد اجتماعی) بر توسعه کار آفرینی نشان می دهند.

**واژگان کلیدی:** کار آفرینی، توسعه، توانمند سازی زنان، زمینه های اجتماعی، زمینه های فرهنگی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: Rafiees80@yahoo.com)  
<sup>۲</sup> دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: fathi.soroush@wtiau.ac.ir)  
<sup>۳</sup> دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: shiri.tahmuros@gmail.com)

## مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی و... هر جامعه‌یی، به برابری در توانمند سازی منابع انسانی در کنار سایر منابع از طریق آموزش مدرن و متناسب با علم روز جهانی همچنان بر اساس نیازها و شرایط حاکم بر آن جامعه است می دانیم که توسعه پایدار هر جامعه ای در جهان امروز تنها وابسته به ثروت و منابع زیرزمینی، معادن و یا سرمایه‌های مالی نیست بلکه به دانش و فن آوری روزآمدی است که به ثروت و سرمایه تبدیل می گردد و باعث رشد و توسعه کشورها می شود. این فرایند با بهره‌یابی برابری از توانایی و به کاربری استعدادهای نیروی انسانی متخصص و متبحر در جهت استفاده بهینه و و همه جانبه آن است. انسان توانمند و برنامه ریز یکی از عاملان اصلی توسعه هر جامعه ای بشمار می آید. از طرفی عامل مشخصه شکل‌های توسعه در جامعه انسانی و فصل تعیین کننده طیف‌ها و شکل بندی‌های اجتماعی - اقتصادی در جوامع انسانی همان توانمندیها و فعالیتهای هدفمند و هوشمند و نحوه برنامه ریزی سیستماتیک نحوه استفاده از سایر منابع است. در جوامع مدرن توسعه یافته قرن حاضر سرمایه انسانی هوشمند(توانمند و برنامه ریز) و سرمایه فیزیکی(اقتصاد، منابع زیر زمینی، زیست محیطی و....) در کنار سایر سرمایه‌ها از جمله خانواده، فرهنگ، جامعه سیاست، سنت و رسوم از عوامل توسعه محسوب می گردند و توجه به انباشت آنها به ویژه سرمایه انسانی است که اهداف رشد و توسعه را تحقق می بخشد. دستیابی به توسعه پایدار، موزون و انسانی، با پیدایش و گسترش سرمایه انسانی درون‌زا، درون جوش و خودپویا امکان پذیر است. تأمین سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت‌های آموزشی است. هر سرمایه‌گذاری آموزشی، از یک سو قابلیت‌های نیروی انسانی را ارتقاء می بخشد و از سوی دیگر، نیروی کار را برای استفاده بهتر از منابع موجود ویا تغییر یافته تولید مهیا می‌سازد و به این ترتیب راه رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورها هموار می‌کند.

اکثر کشورهای توسعه یافته رشد بالای اقتصادی کشور را در گرو افزایش کشف و سطح توانمندی‌های نیروی انسانی و افزایش مهارت نیروی کار می‌دانند و تمام کشورهای در حال توسعه سعی دارند با افزایش و انباشت سرمایه انسانی از طریق افزایش سرمایه‌گذاری‌های مختلف آموزشی نیروی انسانی، رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی خود را تسریع نمایند. با آموزش نیروی کار مهارت‌ها و قابلیت‌های نیروی کار، رشد و توسعه یافته و سرمایه‌گذاری‌های آموزشی مهارت و قدرت تولید نیروی کار را ارتقاء داده و باعث افزایش بهره‌وری عوامل نیروی کار می‌گردد. این فرایند از سویی ارتقاء درآمد تولید کننده و رفاه مصرف کننده و از سویی دیگر، تولید ناخالص بیشتر و تسریع رشد اقتصادی را به دنبال دارد. از طرفی هر اندازه جامعه مبالغ بیشتری را در آموزش سرمایه‌گذاری نماید، فرصت‌های آموزشی بیشتری مهیا می‌گردد و این عامل به توانایی‌های بیشتر، قدرت تولید بالاتر و درآمد افزون‌تر دامن خواهد زد. جامعه ایران یک جامعه جوان، پویا و می‌تواند موتور محرکه توسعه پایدار درون‌زا قرار بگیرد این امر زمانی تحقق می‌یابد که اصل برابری فعالیتهای اقتصادی مبتنی بر فعالیت مردان و زنان جوان، خلاق و کار آفرین عملی شود نه شعارها توجه به اینکه زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند و نسبت آنان در جامعه تحصیل کرده هم چنان رو به تزاید است. اما هنوز سهم شایسته‌ای در اقتصاد ملی به دست نیاورده‌اند. جوان بودن ترکیب سنی، افزایش سهم حضور زنان در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و از طرفی پایین بودن نسبت نرخ فعالیت زنان، کمبود شغل و افزایش بیکاری تصاویری را پیش رو قرار می‌دهد که دیگر نمی‌توان در سطح شعار و اندرز محدود شد. زنان با کارآفرینی میتوانند تواناییهای خود را آشکار سازند و موانعی که در بروز استعدادهای خود دارند رفع نموده و هر روز بیشتر بر جسارت‌های خود بیفزایند. زنان در کشور‌های در حال توسعه امید اول برای ارتقاء سطح اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها و رشد و توسعه کشورهای خود هستند. موفقیت زنان کارآفرین در این جوامع نه تنها سبب سود اقتصادی می‌شود بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌نماید. اما میلیون‌ها زن در این کشور‌ها با موانع ساختاری و فرهنگی در کسب و کار مواجه‌اند و مشکلات متعددی مانند فقدان سرمایه، منابع و قدرت اقتصادی را تحمل می‌کنند. از طرفی کارآفرینی از محورهای اصلی و اساسی رشد و توسعه جوامع انسانی توسعه یافته است بطوریکه می‌توان گفت فرایند کارآفرینی و مهارتهای آن موتور توسعه اقتصادی در هر کشور است.

فعالیت‌های اقتصادی زنان در جهان و جهت گیری آنان به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه به دلایل متعددی از جمله بیکاری، استقلال، کسب درآمد، پایین بودن دستمزدها و عدم رضایت از شغل قبلی است. اما عوامل مختلفی در تسهیل و یا تضعیف این فعالیتها موثر است. بررسی این عوامل می تواند در توسعه فعالیت کارآفرینانه زنان نقش مهمی ایفا نماید. در گذر از مرحله سنتی به صنعتی باید به توانمندیها و قابلیت های فردی کارآفرینان در بهره گیری از منابع طبیعی و بکارگیری تکنولوژی مدرن اهتمام ویژه قائل شویم. در دهه های اخیر زنان کارآفرین همواره مورد توجه جوامع پیشرفته بوده اند بطوریکه بسیاری از زنان در اتحادیه های اروپایی توانسته اند در مشاغل تولیدی خرد و متوسط جایگاه خود را تثبیت نمایند. این زنان با بهره گیری از تسهیلات اعطایی از سوی دولتها توانسته اند پس از گذشت چند سال تولیدات مرکز تحت پوشش خود را گسترش داده و به تنوع آنها افزوده و سازماندهی مناسبی را برای کارکنان خود ایجاد نمایند. از آنجا که کارآفرینی کانون و مرکز ثقل کار و تلاش و پیشرفت در عصر حاضر تلقی می شود و یک هنر اکتسابی است نه انتسابی، یک اندیشه قابل پرورش و کوشش اصولی است ما بدون توجه کافی به مقوله «توسعه کارآفرینی و فرهنگ آن» نمی توانیم به شاخص های رشد و توسعه که از طریق تغییر در روند تولید، پیشروی و توان افزاری فنی و صنعتی در عرصه اقتصاد حاصل می شود دست یابیم. توسعه از جمله توسعه درونزا یک شاخص جهانی در ارزیابی کشورها از نظر توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی به شما می رود. شهروندان کشورهای توسعه یافته نسبت به سایر کشورها از شرایط زندگی بهتری برای رشد، پیشرفت و رفاه اجتماعی دارند. که یکی از مهمترین این عوامل زمینه سازی در جهت توسعه نیروی انسانی مشارکت کننده در آن می باشد. که می تواند علاوه بر خصوصیات فردی بسترهای فرهنگی و اجتماعی و... شامل شود از طرفی نیمی از جمعیت جامعه را زنان بخود اختصاص داده اند که خود منابع توسعه و عاملان توسعه بشمار می آیند، که با حضور فعال خود از جمله مشارکت اجتماعی در قالب خلاقیت و کارآفرینی می توانند عامل نیروی موثری در پیشبرد توسعه در تمامی زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه باشند.

کارآفرینی زنان، بخصوص زنان با تجربه و فرهیخته با آگاهی و تخصص می توانند. برای جامعه در حال توسعه ای چون جامعه ما، مفید باشند با بکار گرفتن این نیروهای متخصص و ماهر در کنار سایر منابع انسانی و مادی در رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گام برداشته و روند توسعه را سرعت ببخشند. ورود زنان به عرصه کسب و کار هم در اقتصاد خانوار و هم در اقتصاد کشور همانقدر می تواند اثرگذار باشد این امر میسر نشود ضرر و زیانش متوجه اقتصاد خانوار و کشور خواهد بود. در حال حاضر بر اساس آمارهای موجود، بسیاری از زنان مدیریت کارگاههای تولیدی مختلف را در مناطق شهری و روستایی کشور به عهده داشته و موفقیت‌های چشم گیری را بدست آورده اند و در این پژوهش برآنیم تا به بررسی زمینه های اجتماعی توسعه کارآفرینی زنان پرداخته و با ارائه راهکارهایی این امر مهم را در سطح استان گسترش داده شود در اصل سوال اصلی این مقاله به شرح ذیل است: زمینه های فرهنگی و اجتماعی توسعه کارآفرینی کدامند؟

### ملاحظات نظری

کارآفرینی روند و فرآیند تفکر و تعمق در خلق مفاهیم نظری و با تلاش و کوشش و انتقال آن به سطح عینی با ارزش با قبول شرایط و محدودیتهای مخاطره آمیز و شکست پذیر که در این فرایند موفقیت فرد در عملیاتی نمودن ایده های نو و خلاق در جهت ایجاد کسب و کار و شرکت های نو، و معرفی محصول و یا خدمت ارزشمند جدیدی که دارای بار اقتصادی اجتماعی \_ فرهنگی ... جامعه است.

به تعبیر پور داریانی کارآفرین کسی است که متعهد می شود مخاطره های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند. (پور داریانی، ۱۳۸۳: ۴)

زنانی که به تنهایی، یا با مشارکت و یا از طریق ارث کسب و کاری را ایجاد کرده و با قبول خطرات مالی و مسئولیتهای اجتماعی، اخلاقی، روانی و مالی در اداره امور روزانه شرکت جویند و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد یا گسترش دهند تا در بازار بر رقبا غلبه یابند (لاوی دینا ۱۹۹۵: ۲).

به عقیده آرت کول کارآفرینی عبارت است: از فعالیت هدفمند که شامل یکسری تصمیمات منسجم فردی یا گروهی از افراد برای ایجاد و توسعه یافته حفظ واحد اقتصادی را به راهبرد نشریه تناثر کار آفرین قبل از قبول مخاطره ی تغییر به فرصت‌ها ارضای نیازها از طریق نوآوری و تاسیس یک کسب و کار می‌داند از نظر پیتر دراگر کارآفرینی یک فرهنگ رفتار می‌باشد و در واقع به کار بردن مفاهیم تکنیک‌های مدیریتی استاندارد سازی محصول بنا نهادن کار بر پایه آموزش می‌باشد.

ژوزف شومپتر: نقش کارآفرینی نوآوری است از دیدگاه و ارائه کالاهای جدید ارائه روشی جدید در فرآیند تولید گشایش بازاری تازه یافتن منابع ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت از فعالیت‌های کارآفرینان است دیوید مک کلند<sup>۲</sup> معتقد است: با یک برنامه صحیح تعلیم و تربیت می‌توان روحیه کاری لازم را در جوامع تقویت نمود به گونه ای که شرایط لازم برای صنعتی شدن جوامع فراهم آید.

**کارکردگرایی ساختی:** تئوری کارکردگرایی ساختی از یک سو کارکردها و نتایج پدیده‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر بر رابطه پایدار و تداوم بین عناصر جامعه و کل نظام اجتماعی ناظر است. هر ساخت که از روابط ثابت و پایدار تشکیل می‌شود با یک سلسله کارکردها در نظام اجتماعی تناسب دارد. بنابراین کارکردگرایی ساختی از دو منبع الهام می‌گیرد. یکی کارکردگرایی ای که جامعه را دارای عناصری که هر یک در جای خود و به خوبی کار می‌کنند و در کل نظام ضرورت دارند، تلقی می‌کند و دیگری ساختارگرایی ای که در آن پدیده‌های اجتماعی از طریق کیفیت ساخت جامعه تحلیل می‌شود. در این حالت اجزای مجموعه به واسطه عامل ساختی در اتصال و ارتباط پیوسته و پنهانی هستند. کارکردگرایی ساختی شرط دوام نظام اجتماعی را در تامین کارکردهای اساسی جامعه می‌داند و هر ساخت نیز بر حسب ضرورت‌های کارکردی نظام اجتماعی تعیین و تشکیل می‌یابد.

**کنش اجتماعی:** کتاب ساخت کنش اجتماعی به بررسی عمل اجتماعی انسان و خصوصیات آن اختصاص دارد و به مطالعه رابطه هدف و وسایل، و نقش محیط در جامعه در شکل‌گیری کنش اجتماعی می‌پردازد. پارسونز در این کتاب ابتدا به ارادی بودن آن (هدفدار بودن) اشاره می‌کند و سپس دلایل انتخاب‌های متفاوت افراد را با توجه به محدودیت‌های محیطی و زیستی مورد بررسی قرار می‌دهد و آن‌گاه با تاکید بر اهمیت هنجارها و ارزش‌ها در تعیین اهداف و اعمال انسان‌ها به تبیین کنش اجتماعی می‌پردازد. لوئیس کوزر جامعه‌شناس معاصر محورهای اصلی دیدگاه پارسونز را در این کتاب به شرح زیر خلاصه کرده است:

الف- کنش‌های انسان، اختیاری و ارادی است نه فقط رفتاری زیستی و انفعالی.

ب- عاملان کنش در جهت رسیدن به هدف‌ها تلاش می‌کنند.

ج- انتخاب‌های مختلف بین وسایل متفاوتی که این عاملان در تعقیب خواسته‌هایشان به کار می‌گیرند می‌باشد.

د- شرایط محیطی و بدنی، محدودیت‌هایی را در انتخاب وسایل و انجام هدف‌ها ایجاد می‌کنند در کنش نقش دارد.

ه- مجموعه هنجارها و ارزش‌ها، انتخاب‌های فردی را از لحاظ وسائل و اهداف معین می‌کنند.

بنابراین کنش فرد، ارادی و هدفدار است و با توجه به محدودیت‌های محیطی و زیستی، توسط ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تعیین می‌گردد.

<sup>1</sup> Art cole

<sup>2</sup> David McCullough Land

**نظام اجتماعی:** بخش مهمی از آثار پارسونز به تحلیل شخصیت، سیاست، اقتصاد و ارزش ها اختصاص دارد نظریات او در چهار زمینه مطرح می شوند؛ زمینه فرهنگی (ایدئولوژی، معرفت و ارزش)، زمینه اجتماعی (روابط متقابل)، زمینه روانی (شخصیت که به وسیله روانشناسی مطالعه می شود) و زمینه زیستی (ارگانیسم « خواسته ها » نیازها)

گرچه در واقع امر انسانی عملی واحد است، اما بایستی زمینه های عمل را به عنوان چهار سیستم فرهنگی، زیستی، اجتماعی و روانی در نظر گرفت؛ این چهار سیستم در عین تمایز دارای پیوستگی و تداخل هستند و می توان آنها را تحت یک سیستم عمومی تر که سیستم عمل است قرار داد.

ارتباط این سیستم ها به شکل افقی نیست بلکه به نحوی رتبه بندی شده اند که سیستم فرهنگی، سیستم اجتماعی را کنترل می کند و به ترتیب سیستم اجتماعی، سیستم روانی را و سیستم روانی سیستم سیاسی را این رتبه بندی به لحاظ اطلاع از بالا به پایین می باشد و از لحاظ نیرو از پایین به بالا. یعنی سیستم فرهنگی دارای بیشترین اطلاع و سیستم زیستی دارای بیشترین نیروست.

در این رابطه رتبه عالی تر، رتبه های پس از خود را کنترل می کند. عناصر فرهنگی که دارای خصیصه کلی هستند از طریق نهادی شدن در قالب سیستم اجتماعی به شکل هنجار و قاعده در می آیند. مثلاً ارزش کلی عدالت (عنصر فرهنگی) در نظام قضائی نهادی می شود و در قالب سیستم اجتماعی تحقق عملی می یابد؛ ساخت همان نهادی شدن عناصر کلی فرهنگی است و دارای خصوصیات نسبتاً پایدار می باشد. عناصر نظام اجتماعی که دارای ثبات و دوام هستند به چهار دسته تقسیم می شوند؛

- ارزش ها (جهت گیری مطلوب سیاست را مشخص می کنند)
- هنجارها (الگوهای رفتار)
- مجتمعات (برگرد ارزش ها و اندیشه ها شکل می گیرد)
- نقش ها (اشکال عضویت و شرکت افراد در اجتماعات) (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۸)

**ژوزف شومپیتر:** ژوزف شومپیتر معتقد است نقش انسان های خلاق، نوآور و کارآفرین الزاماً مخترع، مکششف و سرمایه دار نیستند؛ بلکه افرادی با خلاقیت بسیار بالا می باشند. شومپیتر رشد و توسعه اقتصادی را تابعی از انتقال تابع سرمایه گذاری و تغییر شیب این منحنی می داند و از سوی دیگر، انتقال تابع سرمایه گذاری را تابعی از سرمایه و وجود افراد کارآفرین فرض می کند. به بیان دیگر او معتقد است که رشد و توسعه اقتصادی تنها در نتیجه افزایش سرمایه فیزیکی رخ نمی دهد و نباید نقش کلیدی انسانی و سرمایه انسانی را از نظر دور داشت. وی بر تأثیر ابعاد اجتماعی در تحقق نوسازی و رشد و توسعه تأکید دارد. بحث وی رami توان در سه زمینه زیر مورد توجه قرار داد

**روحیه کارفرمایی<sup>۱</sup>:** به نظر شومپیتر کارفرما کسی است که وظیفه اش تصمیم گیری اقتصادی است که تحت عنوان تصمیمات کارفرمایی از آنها یاد می شود. به نظر او کارفرما<sup>۲</sup> کسی است که ارزش تکنیک، کالا و منابع را کاملاً درک می کند. برای به وجود آوردن یک واحد تولیدی پول فراهم می کند، بدون این که خود آدم پولداری باشد. عوامل تولید را به بهترین وجه فراهم و با هم ترکیب و تلفیق می کند و از این ترکیب و تلفیق بهترین بهره را به دست می آورد. وی فردی است متکبر، نوآور و آینده نگر و نوآوری را با سایر عوامل تولید به بهترین صورت جمع می کند. او مدیران خلاق و طراز اول را جذب می کند. به ارزش اختراع و اکتشاف واقف است و در نهایت در نظر شومپیتر کارفرما یکی از عوامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی است.

شومپیتر می گوید کارفرما به این قانع نیست که بر طبق قواعد و روش های سنتی، اقتصاد را چنان که هست اداره کند، بلکه با تکیه بر قوه ابتکار و ایمان جسورانه اش (روحیه بالای ریسک پذیری) نسبت به آینده پیوسته به بازسازی و نوسازی منابع سودآور می پردازد.

<sup>1</sup> Josep Schumpeter (1883-1950)

<sup>2</sup> Entrepreneurship

<sup>3</sup> Enterperuner

به عقیده شومپتر، کارگردانان اقتصادی در دنیای نوین نه به صورت منفرد و پراکنده بلکه همانند «زنبران یک کندو» در دسته‌ها ظاهر می‌شوند. به ظهور رسیدن یک یا چند کارفرما ظهور کارفرماهای دیگر را موجب می‌شود. هر چند آغاز کار مواجه با مشکلات و مقاومت‌هایی است و این خود جریانی می‌شود که به دنبال خود رشد و توسعه اقتصادی دارد. به تعبیر شومپتر نخستین مبتکران تأثیر خود را بسی بیشتر از شعاع عمل خویش گسترش می‌دهند و اقتصاد بیش از پیش و با سرعتی بیشتر وارد یک جریان نوسازی می‌شود که این امر اصل و اساس دوره رونق و اوج‌گیری است. (از کیا، و غفاری، ۱۳۸۶: ص ۲۲۳-۲۲۴)

**پیشرفت روش‌های فنی تولید:** به نظر شومپتر تحول دانش فنی هسته مرکزی رشد و توسعه اقتصادی است. به نظر او افزایش بطئی و مستمر وسایل تولید و پس‌انداز ملی در طی زمان، بدون تردید یکی از عوامل مهم توجیه تاریخ اقتصادی در طی قرن‌هاست. اما این عامل تحت‌الشعاع این حقیقت قرار دارد که پیشرفت اقتصادی، بیشتر مرهون اتخاذ روش‌های جدید برای بهره‌برداری از منابع موجود و ساختن چیزهای جدید است و ربطی به کم یا زیاد شدن وسایل تولید و پس‌انداز ندارد. بنابراین شومپتر به ابداعات و اختراعات توسعه‌ای که دانش فنی بر اثر آنها پیدا می‌شود توجه زیادی کرده است. او بین ابداع و اختراع تفاوت قایل است. چون اختراع را عبارت از کشف تکنیک جدید و ابداع را به کاربردن اختراع در فرآیند تولید می‌داند. اختراع را کار مخترعان و ابداع را وظیفه کارفرمایان می‌داند.

البته این نظر که پیشرفت‌های فنی یکی از عوامل مستقل تولید و تأمین‌کننده رشد و توسعه اقتصادی است، از سوی بعضی از اقتصاددانان مانند کالدور<sup>۱</sup> رد شده است. کالدور معتقد است که پیشرفت‌های فنی به طور مستقل در جریان رشد و توسعه اثر نمی‌گذارد، بلکه خواه‌ناخواه در عامل سرمایه منعکس می‌شود. همچنین پیشرفت روش فنی تولید، بدون داشتن نیروی کار تعلیم دیده برای اجرای آن، اثر چندانی نخواهد داشت. (همان، ص ۲۲۴-۲۲۵)

**فضا و جو اجتماعی:** مقصود شومپتر از این مفهوم شرایط اجتماعی، سیاسی و روانی است که کارفرماها باید در آن شرایط نقش خود را ایفا کنند. این کارگزاران اقتصادی باید در این فضا اصول و عقاید اجتماعی تصویر و درک کاملاً درستی داشته باشند تا بتوانند به شیوه مطلوبی اقدامات خود را انجام دهند. در ضمن در تغییر قوانین اجتماعی باید سود و زیان دستگاه‌های اقتصادی را در نظر داشت.

به نظر شومپتر یکی از راه‌های مشخص کردن وضعیت فضا و جو اجتماعی چگونگی توزیع درآمدهاست. به نظر او پاره‌ای از قوانین که موجب توزیع نامناسب درآمدها و کاهش سود می‌شود، بر روحیه کارفرمایی در جهت منفی و دلسردی آنها تأثیرگذار خواهد بود. (همان، ۲۲۵-۲۲۶)

**تئودور شولتز:** شولتز معتقد است که آموزش به تنهایی، خود، نوعی سرمایه‌گذاری است و سرمایه انسانی جزئی از مفهوم عمومی سرمایه تلقی می‌شود و آن را در کنار سرمایه مادی و مکمل آن قرار می‌دهد. او هم‌چنین معتقد است توانایی‌های اکتسابی انسان‌ها، مهمترین منبع رشد بهره‌وری و توسعه اقتصادی به حساب می‌آید.

شولتز نیروی کار ماهر را "سرمایه‌دار" تلقی می‌کند، چرا که دانش و مهارت تبلور یافته در وجود آن انسان، خود نوعی سرمایه است. در واقع پس از تلاش‌های شولتز، جهان اقتصاد شاهد تفکرهای جدید در این راستا بوده است، مانند این که اگرچه ارایه‌ی آموزش مستلزم کاهش تولید کالاها و ارایه‌ی خدمات دیگر است، اما آموزش حکم یک سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی انسانی را دارد و یا هر یک دلار سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، در آمد ملی را به مراتب بیش از یک دلار سرمایه‌گذاری در ایجاد جاده‌ها، سدسازی، کارخانه‌ها یا دیگر کالاهای سرمایه‌ای افزایش می‌دهد. اگرچه نظریه‌پردازانی چون آدام اسمیت، وبلن و مارشال نیز بر اهمیت سرمایه انسانی در تولید تأکید داشتند، اما شولتز بار دیگر به سمت این مساله مهم جلب توجه کرد. او در سال ۱۹۶۱ این نظریه را مطرح

1 Kaldor

2 Theodore W. Schultz

ساخت که "کلید توسعه انسانی خود انسان است نه منابع آن". در بحث راجع به سرمایه انسانی او استدلال می کند که با کالای سرمایه ای همیشه به عنوان وسایل تولید مولد برخورد شده است. ولی اندیشه کالای سرمایه ای به طور کلی محدود به عوامل مادی بوده و مهارت های انسانی و سایر توانایی ها که بر اثر سرمایه گذاری در سرمایه انسانی افزایش می یابد، مورد توجه قرار نگرفته است. او می گوید، توانایی های اکتسابی مردم در کوشش های اقتصادی آن ها مفید و موثر است. وسایل و ابزار تولید، محصول دست بشر است و از این نظر نوعی کالای سرمایه ای محسوب می شود که عرضه آن قابل افزایش و انضمام است.

### ملاحظات تجربی

با توجه به اهمیت کار آفرینی تحقیقات متعددی در محدوده های مختلف کشور انجام شده به نتایج چند مورد اشاره می شود:

- شکارچی فرهاد؛ بیژن رحمانی؛ رحمت اله منشی زاده (۱۳۹۷) از تحلیل جنسیتی فرآیند توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان خلخال) نتیجه می گیرند فرآیند توسعه کار آفرینی در بین زنان و مردان تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند در آمد زایی، عوامل جاذبه ودافعه کار آفرینی، عامل محیطی و غیره قرار دارد و فرآیند توسعه کار آفرینی بین زنان و مردان متفاوت بوده است.
- رستمعلی زاده ولی اله، پروین علی جمعه زاده (۱۳۹۷) در بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت زنان کارآفرین شهر تهران نشان دادند ویژگی ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی شامل سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، سابقه کار و میزان درآمد نقش مهمی در میزان کارآفرینی زنان تهرانی دارند. یعنی با افزایش سن، میزان کارآفرینی زنان اندکی کاهش می یابد. افراد مجرد و افراد دارای تحصیلات لیسانس، روحیه کارآفرینی بالاتری دارند؛ همچنین با افزایش سابقه کار به روحیه کارآفرینی زنان افزوده می شود. در نهایت تلاش برای ارتقای درآمد، روحیه کارآفرینی را در زنان ارتقاء می دهد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی، متغیرهای انگیزه ی پیشرفت، نوآوری، مهارت های مدیریتی، فرهنگ همکاری، والدین کارآفرین، تجربه ی تبعیض جنسیتی در کار، حمایت نهادهای دولتی، ساختارهای قانونی مناسب و روابط اجتماعی گسترده توانسته اند که ۷۳/۷ درصد از تغییرات متغیر کارآفرینی را تبیین کنند.
- قاسمی پریا (۱۳۹۶) بررسی نقش حمایت های اجتماعی بر فعالیت های کارآفرینی زنان در جهت توسعه پایدار نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که حمایت اجتماعی بر فعالیت های کارآفرینی زنان و همچنین اقدامات توسعه پایدار تأثیر معناداری دارد.
- اسدزاده منجیلی سحر، شمیم کبیری هرزویلی (۱۳۹۵) شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان مورد مطالعه: زنان تحصیل کرده استان گیلان این تحقیق به منظور بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان در استان گیلان سامان یافته است. بنابراین هدف از این مقاله توصیف هر یک از متغیرهای تحقیق، از جمله عوامل روحی روانی، اقتصادی، علمی، اجتماعی فرهنگی و قانونی و تبیین رابطه هر یک با توسعه کارآفرینی زنان می باشد. نتایج حاصل از تحلیل فرضیه های تحقیق حاکی از تاثیر مثبت عوامل روحی روانی، علمی، آموزشی، اجتماعی فرهنگی و قانونی بر توسعه کارآفرینی زنان می باشد.
- اقبال صفت رونقی فریبا، محمد حسن جعفری صیادی (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کار و کارآفرینی در استان گیلان به علت شکاف زیاد بین وضع موجود و وضع مطلوب برای تقویت مهارت کارآفرینی نیروی انسانی که مهمترین مؤلفه سازمان هاست، آموزش وسیعی نیاز است. وجود معضلات فراوان در سطح جامعه روستایی موجب گردیده روند توسعه کارآفرینی به کندی حرکت کند. از این رو شناخت معضلات فراوتن در سطح جامعه روستایی می تواند در شناخت ابعاد مختلف و متعدد مرتبط با کارآفرینی روستایی و موانع اشتغال در روستاها یاریگر و سازنده باشد. امروزه کشورها و سازمان های بین المللی به این نتیجه رسیده اند که کارآفرینی تأثیری مثبت و مستقیم در بسیاری از فعالیت های

مختلف کشورها داشته است. از یک طرف سبب توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت های شغلی می شود و از طرف دیگر می تواند سبب بهبود وضعیت اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی شود. اما کارآفرینان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با موانع متعدد و جدی روبرو هستند که مانع موفقیت آنان در فعالیت های اقتصادی می شود. در این مقاله به منظور ارائه مدلی جامع از توسعه کارآفرینی تلاش می شود که مهمترین شاخص ها و عوامل مؤثر شناسایی و رابطه بین آنها تعیین گردد. توسعه کارآفرینی با شاخص های رشد، ایجاد و نوآوری تبیین و عوامل مؤثر در سه بخش فردی، شبکه ای و محیطی در نظر گرفته شده است. در عصر و دوره ای که ما در آن زندگی می کنیم، تحولات پیشرفت و در کل حرکت به سمت عملی کردن افکار و ذهنیات از ویژگی های شاخص آن به حساب می آیند. امروزه کارآفرینی در نقش یک راهبرد در توسعه و شکوفایی و رشد جوامع انسانی، به جایگزینی بی بدیلی تبدیل شده است که از طریق آن همه منابع جامعه بسیج می شوند تا منشا بسیاری از پیامدهای مثبت اجتماعی، اقتصادی گردند. نیاز به ابداع و خلاقیت در تمامی حوزه های کسب و کار، کارآفرینی را به یک ضرورت جهانی بدیل نموده، در این راستا نظام آموزش عالی کلیدی ترین نقش را داراست. نتایج تحقیقات بیانگر آن است که کارآفرینان در گیلان فقط از طریق شبکه اولیه (دوستان نزدیک، مجرب و قابل اعتماد) حمایت شبکه ای دریافت می نمایند و ارتباط با شبکه ثانویه (ارتباط با انجمن های تجاری و مشاوران تخصصی) بسیار کم است، که این بیانگر آن است که سایر عوامل شبکه ای در نظر گرفته شده برای کارآفرینانی در گیلان موجودیت واقعی خود را نیافته اند. نتایج نشان می دهد که عوامل شرایط محیطی کشور، شرایط مساعد و سوق دهنده ای برای توسعه کسب و کار آنان محسوب نمی شود. کارآفرینان در توسعه کارآفرینی با موانع محیطی جدی روبرو هستند.

حسینی نیا غلامحسین؛ احمد یعقوبی فرانی؛ رضا سیدین (۱۳۹۳) در سنجش عوامل مؤثر بر عملکرد کسب و کارهای زنان کارآفرین در روستاهای شهرستان میانه نشان دادند ارتباط بین متغیرهایی نظیر اهداف، انگیزه ها، داشتن مهارت برنامه ریزی، مهارت های مختلف کسب و کار و در نهایت برخورداری زنان از برخی نقاط قوت در کسب و کار با عملکرد کسب و کار آنها معنادار است و این متغیرها می توانند عملکرد کسب و کارهای کارآفرینان زنان روستایی را تبیین کنند. بر مبنای نتایج تحقیق می توان گفت تقویت متغیرهای مذکور می تواند روند توسعه کارآفرینی زنان روستایی را در این مناطق سرعت بخشد.

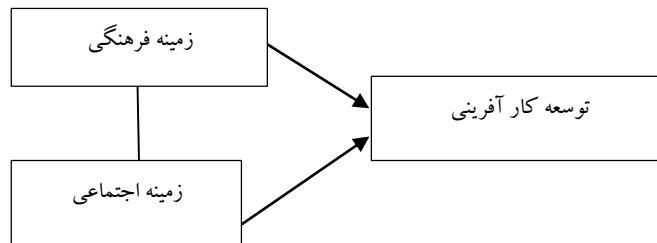
صابریان مهناز، مصوری محمدصادق (۱۳۹۳) در تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی عضو صندوق های خرد سمنان نتیجه گرفته اند: ویژگی های کارآفرینان در ۹ عامل دسته بندی شدند. سخت کوشی به عنوان عامل اول به تهای ۱۴/۳۳ درصد از واریانس کل را تبیین نمود که حاکی از اهمیت بالای این عامل دارد. سایر عوامل نیز به ترتیب اهمیت شامل کانون کنترل درونی، ریسک پذیری روانی، ریسک پذیری مالی، نوآوری، تحمل ابهام، خلاقیت، پشتکار، فرصت طلبی بوده که به ترتیب ۱۱/۲۶، ۹/۴۹، ۸۵۰/۵۵، ۷/۸، ۷/۵۷، ۶/۹۸، ۶/۱۶، ۵/۳۹ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند.

موحدی رضا؛ احمد یعقوبی فرانی (۱۳۹۳) یافته های تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی بیان کننده وجود رابطه معنادار بین ویژگی های شخصیتی، وضعیت اقتصادی و شرایط اجتماعی - فرهنگی زنان با سطح کارآفرینی آنها و نیز نبود رابطه معنادار بین وضعیت خانوادگی و سطح کارآفرینی است. از بین سه متغیر وارد شده در رگرسیون، دو متغیر ویژگی های شخصیتی و وضعیت اقتصادی وارد معادله رگرسیون شد، همچنین بر مبنای نتایج تحلیل مسیر، متغیرهای وضعیت اقتصادی، ویژگی های شخصیتی و شرایط اجتماعی - فرهنگی زنان به ترتیب، بیشترین تأثیرات را بر سطح کارآفرینی آنها داشته و ۴۰/۷٪ از تغییرات سطح کارآفرینی را تبیین کردند.



- ممیز آیت اله، قاسمی سیده عاطفه، قاسمی سیده فاطمه (۱۳۹۲) در بررسی عوامل موثر در توسعه کارآفرینی زنان نتایج نشان می دهد با وجود احراز نقش دو گانه زنان شاغل، آنان نسبت به فعالیت های خود احساس مثبتی دارند.
- پوریوسفی حمید و سروش فتحی، محمدعلی پوریوسفی (۱۳۹۱) بررسی عوامل موثر بر فرهنگ کار در بین کارگران زن بخش صنعت نتایج نشان داد، میان متغیرهای عوامل فردی - شخصیتی، عوامل شغلی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی و عوامل سازمانی با فرهنگ کار رابطه وجود. تحلیل رگرسیون فرهنگ کار با متغیرهای مستقل بیانگر این واقعیت است که از میان متغیرهای مستقل پژوهش عوامل فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردارند.
- نوابخش مهرداد، مرضیه زارع هرسته (۱۳۸۹) بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر فرهنگ کارآفرینی (مطالعه موردی زنان کارآفرین تهران و حومه) نتایج حاصل از یافته ها نشان داد عوامل محیطی میان عوامل فردی (انگیزه ها و اهداف، سرمایه انسانی) عوامل محیطی (عوامل فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی) و عوامل شبکه ای (شبکه اولیه) با شاخصهای توسعه کارآفرینی رابطه وجود دارد. همچنین تحلیل رگرسیون شاخصهای توسعه کارآفرینی با متغیرهای مستقل مبین این واقعیت است که از میان متغیرهای مستقل پژوهش به ترتیب متغیرهای عوامل فردی - شخصیتی و عوامل شبکه ای و عوامل فرهنگی وارد معادله شده اند که عوامل محیطی از اهمیت بالایی برخوردار است.
- ذکریایی، منیژه؛ مختارپور، مهدی (۱۳۸۹) با عنوان بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر کارآفرینی زنان مطالعه موردی شهرستان کرج نتایج نشان الگوی نقش، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات بر انگیزه کار آفرینی زنان کار آفرین اثر گذار بودند.
- میرغفوری سیدحبيب اله، صیادی تورانلو حسین، طاهری دمنه محسن (۱۳۸۸) تبیین و تحلیل موانع موثر بر کارآفرینی زنان (مطالعه موردی: استان یزد) نتایج نشان داد که ۳۰ مانع در شش بعد خانوادگی، علمی - تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی - اجتماعی و قانونی، بر کارآفرینی زنان تاثیر گذار بوده و موانع بعد پرورشی تاثیر گذار نیستند.

### مدل مفهومی



شکل (۱): مدل مفهومی

### روش تحقیق

در این تحقیق از روش آمیخته و از تکنیک مصاحبه و پرسشنامه جهت جمع اوری داده ها استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق زنان کار آفرین استان گیلان می باشند. با توجه به فرمول کوکران حدود ۳۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدن و با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی سیستماتیک مورد پرسش قرار گرفتند. برای تعیین روایی محتوای پرسشنامه از نظر اساتید ذی فن استفاده شده است و برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آماری آلفای کرونباخ استفاده شده است، آزمون آلفای کرونباخ ۸۸۹/۰ می باشد.

### یافته ها

**تحلیل عاملی:** در این قسمت مقوله های استخراج شده از مصاحبه را تحلیل عاملی مینمایم تا ببینیم آیا میتوان مقوله های استخراجی از مصاحبه را تقلیل و به چندین عامل پنهانی کاهش داد یا خیر؟ برای این منظور از دو آزمون KMO و بارتلت استفاده شده است که آزمون های فوق نشان می دهند آیا داده های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟

**نتیجه آزمون KMO و بارتلت:** بر اساس نتیجه آزمون KMO که مقدار آن برابر ۰,۶۸۵، می‌باشد. داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل زیربنایی تر و بنیادی تر می‌باشد. همچنین نتیجه آزمون بارتلت (۵۵۴۳/۷۶۸) که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نمی‌باشد یعنی، از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های یک عامل دیگر، هیچگونه همبستگی مشاهده نمی‌شود

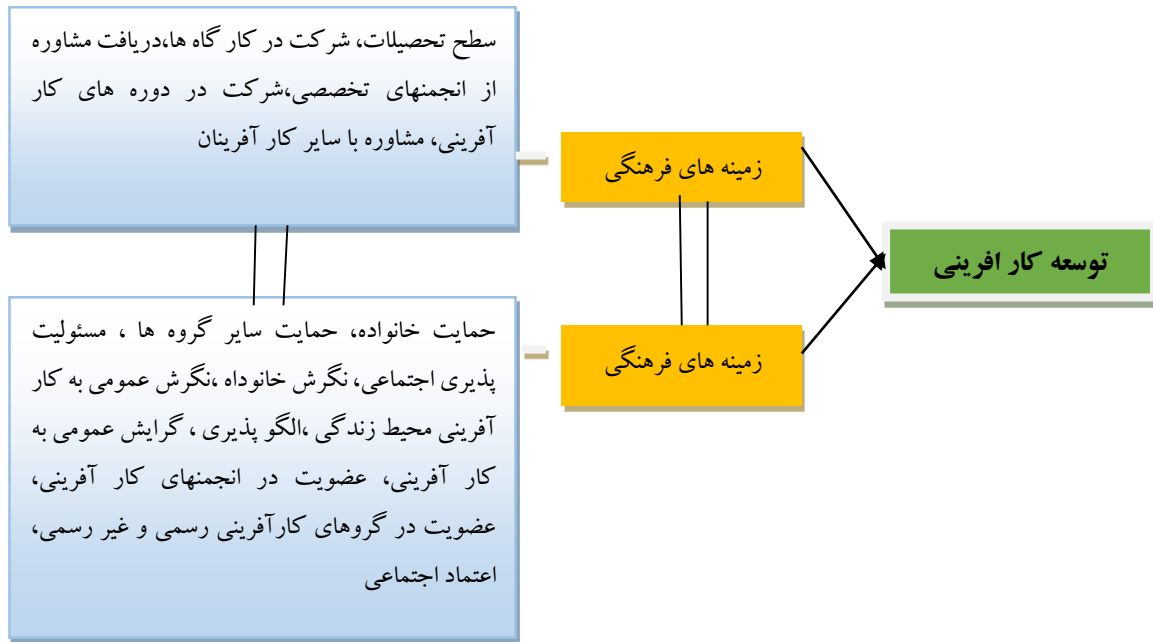
جدول (۱): نتیجه آزمون KMO و بارتلت

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.685
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	5543.768
	df	388
	Sig.	.00q

جدول (۲): ماتریس همبستگی عامل‌ها بعد از چرخش

عامل فرهنگی	عامل اجتماعی
سطح تحصیلات	۰/۸۸۶
شرکت در کارگاه‌ها	۰/۷۷۱
دریافت مشاوره از انجمن‌های تخصصی	۰/۷۳۱
شرکت در دوره‌های کارآفرینی	۰/۶۲۱
مشاوره با سایر کارآفرینان	۰/۵۱۲
حمایت خانواده	۰/۸۸۵
حمایت سایر گروه‌ها	۰/۷۵۶
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۷۳۱
نگرش خانواده	۰/۷۲۱
نگرش عمومی به کارآفرینی محیط زندگی	۰/۷۱۲
الگوپذیری	۰/۶۸۹
گرایش عمومی به کارآفرینی	۰/۶۷۸
عضویت در انجمن‌های کارآفرینی	۰/۶۶۸
عضویت در گروه‌های کارآفرینی رسمی و غیررسمی	۰/۶۴۱
اعتماد اجتماعی	۰/۶۳۱

یافته‌های فوق نشان داد برخی عامل‌های اثرگذار بر توسعه کارآفرینی از دید زنان کارآفرین در دو گروه الف) زمینه‌های فرهنگی شامل سطح تحصیلات، شرکت در کارگاه‌ها، دریافت مشاوره از انجمن‌های تخصصی، شرکت در دوره‌های کارآفرینی، مشاوره با سایر کارآفرینان ب) و اجتماعی: حمایت خانواده، حمایت سایر گروه‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نگرش خانواده، نگرش عمومی به کارآفرینی محیط زندگی، الگوپذیری گرایش عمومی به کارآفرینی، عضویت در انجمن‌های کارآفرینی، عضویت در گروه‌های کارآفرینی رسمی و غیررسمی، اعتماد اجتماعی می‌باشند.



شکل (۲): مدل نهایی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی

### نتیجه گیری

افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه، کاهش منابع و امکانات موجود در این کشورها و پیدایش نیازهای اجتماعی و اقتصادی جدید همگی سبب توجه نهادها و مقامات مسئول در این کشورها به توسعه کسب و کارهای کوچک برای رشد و توسعه کارآفرینی شده است. کارآفرینی موضوعی است که از اواخر قرن بیستم مورد توجه محافل آموزشی کشورهای جهان قرار گرفته است. بررسی تاریخ ادبیات کارآفرینی مویده آن است که این واژه اولین بار در تئوری های اقتصادی و توسط اقتصاددانان ایجاد شده و سپس وارد مکاتب و تئوریهای سایر رشته های علوم گردیده است. در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار امروزی که با تغییرات و تحولات سریع بین المللی همراه شده و فرآیند از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی در اولویت قرار گرفته است، از کارآفرینی به عنوان موتور توسعه اقتصادی یاد میشود که میتواند در رشد اقتصادی کشورها، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی نقش مهمی ایفا نماید.

مداخله گری برنامه ریزی شده، می تواند کمک بسیار شایانی به توسعه اقتصادی کشورها و حل مسئله بیکاری جامعه، بنماید. به نحوی که امروزه صحبت از الگوی توسعه مبتنی بر کارآفرینی است (احمدپورداریانی، ۱۳۸۰). علت این نگرش به خاطر تحقیقات گسترده کشورهای توسعه یافته در خصوص نقش و تأثیر کارآفرینی در توسعه اقتصادی - اجتماعی و ایجاد اشتغال در جامعه بوده است. تحقیقات نشان می دهد که در سال ۲۰۰۲ تنها در آمریکا حدود ۹۰٪ از مشاغل و کسب و کارهای جدید و ۷۰٪ از تولیدات جدید و خدمات نوین حاصل کارآفرینی و کسب و کارهای کارآفرینانه است (هیسریش<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). در نتیجه مشخص شدن نقش و تأثیر کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی و حل مشکل بیکاری، و همچنین ثابت شدن اینکه اکثر خصوصیات کارآفرینانه قابل آموزش است، دولت ها و سازمان های بین المللی تلاشهای بسیار گسترده ای را جهت توسعه آن در سطح جوامع مختلف شروع کرده اند.

هدف تحقیق حاضر بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه زنانی که این امر را تجربه کرده اند می باشد می دانیم که توسعه پایدار جوامع و به تبع آن توسعه منابع انسانی و توانمند سازی آنها با توجه به مقتضیات فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد که دولت ها به عنوان قدرتمندترین عامل اقتصادی و اجتماعی بتوانند ضمن بستر سازی مناسب و ایجاد فضای لازم جهت رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی، از توان کل جمعیت فعال اقتصادی اعم از گروه های مختلف اجتماعی از جمله گروه های جنسیتی زن و مرد بهره جسته و آن توان را اثر بخش نموده و در راستای توسعه پایدار گام بردارند. همچنین شرط بقاء در دنیای پر شتاب کنونی استفاده

<sup>1</sup> Histrich

از همه منابع موجود می باشد انتخاب این مسیر مستلزم فراهم ساختن بستری است که امکان بروز و ظهور ابتکارات و تدابیر خلاقانه و فعالیت های کار آفرینانه را فراهم سازد. در این میان شناخت توانمندیهای زنان و هدایت استعدادهای خلاق آنان می تواند در بهره برداری از ظرفیت های این قشر عظیم اجتماعی موثر واقع شود. به عبارتی شناسایی الگوهای موفق می تواند در ایجاد فضای مناسب برای شکل گیری فعالیت های کار آفرینانه توسط زنان علیرغم محدودیت های فردی و محیطی مفید باشد. در این میان زمینه های مختلفی از دیدگاهی متفاوت در کنار سایر عوامل دارای اثر متفاوت با وزن اثر گذاری متفاوت در روند بستر سازی و توسعه کار آفرینی نقش دارند با توجه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه که در تکاپوی دسترسی به منابع مادی می باشند بستر سازی زمینه های فرهنگی و اجتماعی نهادهای مختلف جهت حضور زنان در حوزه اقتصادی را می طلبد گرچه زنان از گذشته دور شاید هم از بدو شوع زندگی گروهی دوشا دوش مردان در حوزه اقتصادی نقش آفرینی داشته اند شاید هم بیشتر از مردان ولی به دلایل فرهنگ مرد سالارانه و همچنین پستو نشینی زنان این نقش محرز نبوده است، پستو نشینی زنان باعث حصر آنان و عدم تعامل با افراد غریبه می شده که عامل اجتماعی و فرهنگی صورت نمی گرفته و یا گر تعاملی بوده محدود و محصور بوده است در شرایط محدودیت فرهنگی و اجتماعی در نتیجه تعامل اقتصادی هم انجام نمی شده و زندگی اقتصادی افراد به صورت محدود و در حد زندگی فردی توقف می کرد در نتیجه زمینه های بروز خلاقیت افراد و شکوفایی استعدادها شکل نمی گرفته است. عدم تعادل موجود در نیروهای بازار کار نشان می دهد که محدودیتهای فرهنگی و ساختاری تاثیر قابل توجهی در کسب و کار و سرمایه گذاری زنان ایرانی دارد. بدیهی است که جذب این سرمایه ملی در سازمان دولتی موجود که اکثراً با تورم نیروی انسانی مواجهند، عملی نیست، لذا بنا به ضرورت توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی، رویکرد اصلی و خود جوش جامعه، برای غلبه بر مشکلات و بحرانهای موجود توجه به کار آفرینی است. تا از این طریق زنان خلاق به راه اندازی کسب و کارهای مستقل ترغیب و تشویق و با ایجاد فرصت های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل کنونی جامعه (بیکاری) را پایان بخشند. هدف اصلی در این پژوهش، ارائه الگوی بومی از توسعه کار آفرینی زنان ایران است.

یافته های تحقیق حاضر تحولی شگرف در تعاملات اجتماعی افراد را نشان می دهد و یک نوع شکوفایی اجتماعی و فرهنگی در راه است گرچه تغییرات همیشه هزینه های خود را دارد و زمان زیادی را می طلبد و همچنین از طرف افراد جامعه در مقابل تغییرات فرهنگی و اجتماعی مقاومت شایانی را شاهد هستیم که باعث کندی تغییرات در جامعه می شود امروزه افزایش به جهت گسترش دانشگاه های مختلف و همچنین آموزشگاهها باعث تغییرات اساسی در سطح نگرش فرهنگی خانواده ها و مردان شده است که در نتیجه باعث رقابت تحصیلی افراد خانواده را رقم زده است و در پی آن افزایش سطح تحصیلات و آگاهی زنان شده و ، شرکت در کار گاه ها، دریافت مشاوره از انجمنهای تخصصی، شرکت در دوره های کار آفرینی، مشاوره با سایر کار آفرینان باعث بروز خلاقیتشان در جهت اقدام به کار آفرینی و توسعه آن شده است و همچنین بستر خانواده های آماده پذیرای تحولات فرهنگی و اقتصادی شده است که در این میان زمینه های که به توسعه کار آفرینی زنان کمک کرده است به برخی از عوامل ذیل می توان اشاره کرد حمایت خانواده، حمایت سایر گروه ها ، مسئولیت پذیری اجتماعی، نگرش خانواده، نگرش عمومی به کار آفرینی محیط زندگی، الگو پذیری ، گرایش عمومی به کار آفرینی، عضویت در انجمنهای کار آفرینی، عضویت در گروه های کار آفرینی رسمی و غیر رسمی، اعتماد اجتماعی در نتیجه تغییرات و تحولات ایجاد شده در سطح فرد و جامعه بستر حضور زنان را در عرصه اقتصاد کشور فراهم کرده است که در چرخه اقتصادی نقش اساسی را ایفا کنند این مطالب ناقص حضور زنان در گذشته دور نیست آنچه را می توان از این مطالب ارائه داد حضور هر چه بیشتر زنا در عرصه اقتصادی و تغییرات اساسی در بنیانهای فکری جامعه در سطح نهاد خانواده در سطوح خرد و کلان و در سطح جامعه در قالب نهادهای دیگر از جمله آموزش و پرورش و ..... می توان شاهد بود و چشم انداز آتی از آن نسل فعال خواهد بود.

۱. آقاچانی اعظم حاجی، مریم رحمتی (۱۳۹۲) بررسی نقش کارآفرینی در توسعه، با تأکید بر توسعه اقتصادی ایران همایش ملی مدیریت بازرگانی با محوریت: کسب و کارهای کارآفرینانه و اقتصاد دانش بنیان
۲. آلون، ی. سو، (۱۳۷۸) تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی،
۳. احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، سیدمحمد، ۱۳۸۸، مبانی کارآفرینی تهران، انتشارات سریرا
۴. احمدپور داریانی، محمود، ۱۳۸۹، کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها، تهران، انتشارات جاجرمی
۵. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۶) جامعه شناسی توسعه، تهران، چاپ ششم، انتشارات کیهان، ۱۳۸۶.
۶. اسدزاده منجیلی سحر، شمیم کبیری هرزویلی، (۱۳۹۵) شناسایی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی زنان مورد مطالعه: زنان تحصیل کرده استان گیلان چهارمین کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان - ۱۳۹۵
۷. اقبال صفت رونقی فریا، محمد حسن جعفری صیادی (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کار و کارآفرینی در استان گیلان اولین کنگره ملی الکترونیکی زیست شناسی و علوم طبیعی ایران - ۱۳۹۳
۸. پوریوسفی حمید، سروش فتحی محمدعلی پوریوسفی (۱۳۹۱) بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در بین کارگران زن بخش صنعت زن و جامعه (جامعه شناسی زنان سابق) سال سوم بهار ۱۳۹۱ شماره ۱ (پیاپی ۹)
۹. تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۶
۱۰. حسینی نیا غلامحسین؛ احمد یعقوبی فرانی؛ رضا سیدین (۱۳۹۳) در سنجش عوامل مؤثر بر عملکرد کسب و کارهای زنان کارآفرین در روستاهای شهرستان میانه، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۵۴۵-۵۵۸
۱۱. دیوسالار سمانه، فرهاد بزرگی (۱۳۹۱) در بررسی نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان
۱۲. ذکریایی، منیژه؛ مختارپور، مهدی؛ (۱۳۸۹) با عنوان بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی زنان مطالعه موردی شهرستان کرج مجله پژوهش های جامعه شناختی، سال چهارم شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۹)
۱۳. رستمعلی زاده ولی اله، پروین علی جمعه زاده (۱۳۹۷) بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت زنان کارآفرین شهر تهران فصلنامه توسعه اجتماعی توسعه انسانی سابق (دوره ۱۲، شماره ۳، بهار ۹۷، صفحات ۱۷۲)
۱۴. شکارچی فرهاد؛ بیژن رحمانی؛ رحمت اله منشی زاده (۱۳۹۷) تحلیل جنسیتی فرآیند توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان خلخال) مطالعات توسعه اجتماعی ایران دوره ۱۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۷، صفحه ۱۱۵-۱۲۸
۱۵. صابریان مهناز، صبوری محمدصادق (۱۳۹۳) تحلیل عاملی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی عضو صندوق های خرد سمنان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران پاییز ۱۳۹۳، دوره ۶، شماره ۴ مسلسل ۲۴؛ از صفحه ۱۰۷ تا صفحه ۱۱۵
۱۶. فرجی فرشته، تهمینه احسانی فر، نادر نادری، بیژن رضایی (۱۳۹۳) بررسی نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی پهنشهره کارآفریندر کشاورزی جلد اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳ ص ۹۱ الی ۱۰۴
۱۷. قاسمی پریا (۱۳۹۶) بررسی نقش حمایت های اجتماعی بر فعالیت های کارآفرینی زنان در جهت توسعه پایدار همایش سازمان ها و مراکز دولتی و عمومی شورای عالی بانوان اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی استان اصفهان، موسسه آموزش عالی جهاددانشگاهی : ۱۳۹۶، دوره ۲
۱۸. ممیز آیت اله، قاسمی سیده عاطفه، قاسمی سیده فاطمه (۱۳۹۲) در بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان رشد فناوری: تابستان ۱۳۹۲، دوره ۹، شماره ۳۵؛ از صفحه ۱۵ تا صفحه ۲۲.
۱۹. موحدی رضا؛ احمد یعقوبی فرانی (۱۳۹۳) تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان دوره ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۷-۴۲
۲۰. میرغفوری سیدحبيب اله، صیادی تورانلو حسین، طاهری دمنه محسن (۱۳۸۸) تبیین و تحلیل موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان (مطالعه موردی: استان یزد) پژوهش نامه مدیریت تحول (پژوهش نامه مدیریت): نیمه دوم ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۲؛ از صفحه ۴۷ تا صفحه ۶۴.
۲۱. نوابخش مهرداد، مرضیه زارع هرفته (۱۳۸۹) بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر فرهنگ کارآفرینی (مطالعه موردی زنان کارآفرین تهران و حومه) مدیریت فرهنگی (دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات) سال چهارم بهار ۱۳۸۹ شماره ۷
۲۲. هزارجریبی جعفر (۱۳۸۴) بررسی نقش کارآفرینی در ایجاد فرصتهای اقتصادی پژوهشنامه اقتصادی: پاییز ۱۳۸۴، دوره ۵، شماره ۳ پیاپی ۱۸؛ از صفحه ۲۳۷ تا صفحه ۲۶۷.